

بنگاه‌های کوچک و متوسط و استانداردهای بین‌المللی حسابداری

بودن استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی (IFRS) در واکنش به تقاضای جهانی برای دستیابی به یک نظام گزارشگری منسجم و قابل مقایسه در سطح بین‌الملل ایجاد شده است. با این حال، این طور به نظر می‌رسد که IFRS برای شرکت‌های بزرگ گسترش یافته است. به جز IFRS سایر استانداردهای حسابداری در بسیاری از کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه، عموماً برای شرکت‌هایی در اندازه بزرگ که بسیاری از آنها در بورس اوراق بهادار پذیرفته شده‌اند، تهیه شده است. اما اگر قرار باشد که IFRS یا سایر استانداردهای حسابداری به طور گسترده مورد اقبال عمومی قرار گیرند، استانداردگذاران باید توجه ویژه‌ای را به بنگاه‌های کوچک و متوسط (SMEs) مبذول دارند. از آنجایی که بخش قابل توجهی از رشد اقتصادی کشورهای در حال توسعه و حتی توسعه یافته به وسیله بنگاه‌های کوچک و متوسط روی می‌دهد، نیاز به چارچوب نظری گزارشگری مالی برای این بنگاه‌ها اهمیت می‌یابد و IFRS برای بنگاه‌های کوچک و متوسط نیز بر اساس همین نیاز تهیه شده است. با در نظر داشتن توجه جامعه اقتصادی کشورمان در بکارگیری استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی در مقاله پیش رو به بررسی حوزه‌ای از این استانداردها، یعنی IFRS برای بنگاه‌های کوچک و متوسط، پرداخته می‌شود.

بنگاه‌های کوچک و متوسط و نقش آن در اقتصاد کشورها

بنگاه‌های اقتصادی کوچک و متوسط دارای تعریفی یکسان نیستند و به ضرورت هر کشور تعاریف متفاوتی از آنها صورت گرفته است. به طور کلی طبقه‌بندی شرکت‌ها در یکی از طبقات کوچک، متوسط و بزرگ براساس ۳ نوع معیار صورت می‌پذیرد: معیارهای کمی، معیارهای کیفی یا ترکیبی از این معیارها (برزگر، ۱۳۸۹). واضح است که با در نظر گرفتن هر یک از معیارها، ممکن است بنگاه در طبقه متفاوتی از نظر اندازه قرار بگیرد.

IFRS برای طبقه‌بندی بنگاه‌ها تا حد زیادی از معیارهای کیفی استفاده کرده است. بر این اساس هر شرکتی که وظیفه پاسخ‌گویی عمومی ندارد، می‌تواند از IFRS برای بنگاه‌های کوچک و متوسط استفاده کند. شرکت‌هایی که نمی‌توانند از این نسخه IFRS استفاده کنند شامل شرکت‌های زیر می‌شوند:

۱. شرکت‌هایی که اوراق بدهی یا سهام را در بازارهای عمومی کشور منتشر کرده‌اند.
۲. شرکت‌هایی که به عنوان بنگاه‌های مالی شناخته می‌شوند؛ مانند بانک‌ها، موسسات بیمه، کارگزاران و معامله‌گران اوراق بهادار، صندوق‌های بازنشستگی، صندوق سرمایه‌گذاری مشترک و شرکت‌های تامین سرمایه.

از آنجایی که IASB دولت‌ها را مجاز به تعیین بنگاه‌هایی کرده است که می‌توانند از IFRS برای بنگاه‌های کوچک و متوسط استفاده کنند (IASB، ۲۰۱۲)، کشورمان نیز با در نظر داشتن معیار ارائه شده از سوی IASB و حفظ معیارهای کمی کنونی می‌تواند سطوح گزارشگری متفاوتی را تعیین کند.

اما بنگاه‌های کوچک و متوسط در اقتصاد ملی و بین‌المللی چه جایگاهی دارند؟ تا مارس ۲۰۱۲، ۵۲ بورس بزرگ جهان، در مجموع تنها ۴۶ هزار شرکت پذیرفته شده داشته‌اند. در مقابل قاره اروپا و ایالات متحده آمریکا به ترتیب ۲۸ و ۲۷ میلیون بنگاه اقتصادی کوچک و متوسط دارند (IASB، ۲۰۱۲). همچنین انگلستان، ۴٫۷ میلیون بنگاه کوچک و متوسط دارد که در ۹۷ درصد آنها تعداد کارکنان کمتر از ۱۰۰ نفر است. در برزیل نیز، ۶ میلیون بنگاه کوچک و متوسط وجود دارد (IASB، ۲۰۱۲). بخش عمده‌ای از مشاغل در کشورهای صنعتی در دهه‌های ۷۰ و ۸۰ قرن گذشته میلادی، عمدتاً از طریق این موسسات پدید آمده است (صدری نیا و همکاران، ۱۳۸۸). همچنین تخمین زده می‌شود که حدود ۸۰ درصد رشد اقتصاد جهانی را بنگاه‌های کوچک و متوسط رقم می‌زنند.

(کاباران زاد و همکاران، ۱۳۹۰). این بنگاه‌ها در کشورهای در حال توسعه اهمیت بیشتری در زمینه اشتغال‌زایی، کارآفرینی و رشد صادرات غیرنفتی دارند (کاباران زاد و همکاران، ۱۳۹۰).

در ایران، این بنگاه‌ها بیش از ۸۰ درصد فعالان بخش صنعت را تشکیل می‌دهند و درصد قابل توجهی از میزان اشتغال در واحدهای صنعتی و تولیدی مربوط به واحدهای کوچک و متوسط هستند (برزگر، ۱۳۸۹). در حال حاضر بیش از ۹۰ درصد واحدهای صنعتی فعال در کشور را واحدهای تجاری کوچک تشکیل می‌دهند و بیش از ۷۵ درصد اشتغال بخش صنعت و حدود ۳۰ درصد تولیدات صنعتی را عرضه می‌کنند (برزگر، ۱۳۸۹).

استانداردهای حسابداری متفاوت برای بنگاه‌های کوچک و متوسط

چنانچه رویکرد مورد استفاده برای ایجاد چارچوب نظری حسابداری مبتنی بر رفع نیاز استفاده‌کنندگان باشد، باید مهم‌ترین گروه‌های استفاده‌کننده صورت‌های مالی، نیازهای اطلاعاتی آنان و چگونگی رفع این نیازها توسط سیستم اطلاعاتی حسابداری تعیین شود. از نگاه چارچوب‌های مشهور جهان، مهم‌ترین استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی، سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان هستند. مهم‌ترین نیاز اطلاعاتی آنها که می‌تواند توسط صورت‌های مالی رفع شود، تعیین مبلغ، زمان‌بندی و میزان عدم اطمینان جریان‌های نقدی آینده است که در قالب سود تقسیمی یا بهره یا نرخ فروش و ارزش سرسید به وقوع خواهد پیوست. بنابراین سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان در بازارهای مالی کشورهای توسعه‌یافته در صدر استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی قرار دارند. در حالی که بخش عمده‌ای از بنگاه‌های اقتصادی این کشورها در بازارهای مالی حضور ندارند.

حال اگر قرار باشد چارچوب نظری حسابداری کشورهای در حال توسعه نیز مبتنی بر استفاده‌کنندگان باشد، باید مهم‌ترین گروه‌های استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی این کشورها را تعیین کرد. از آنجایی که در این کشورها بازارهای سرمایه در حال رشد هستند و کم‌کم سهم بنگاه‌های کوچک و متوسط در اقتصاد بسیار پررنگ‌تر است، تفاوت قابل ملاحظه‌ای در گروه‌های استفاده‌کننده از صورت‌های مالی این بنگاه‌ها و بنگاه‌های بزرگ دیده می‌شود. مهم‌ترین

استفاده‌کنندگان اطلاعات مالی بنگاه‌های کوچک و متوسط می‌توانند شامل گروه‌هایی چون مدیران، مالکان، اعتباردهندگان و یا دولت باشند. روش‌های عملیاتی، سرمایه‌گذاری و تامین مالی متفاوت این شرکت‌ها سبب می‌شود که گروه‌های استفاده‌کننده و نیازهای اطلاعاتی آنها کاملاً متفاوت با بنگاه‌های بزرگ باشند. به عنوان مثال بنگاه‌های کوچک و متوسط تامین مالی از طریق نظام بانکی را مطلوب‌تر می‌دانند (برزگر، ۱۳۸۹؛ طبقیان، ۱۳۹۱). استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی آنها بیشتر بر تعیین جریان‌های نقدی کوتاه‌مدت متمرکز هستند (RSM، ۲۰۰۸). همچنین در بسیاری از بنگاه‌های کوچک، تهیه صورت‌های مالی عمدتاً برای رعایت الزامات قانونی و نه برای افشا به استفاده‌کنندگان خارجی صورت می‌گیرد (برزگر، ۱۳۸۹). در نتیجه به نظر می‌رسد که ارائه یک چارچوب نظری متفاوت برای بنگاه‌های کوچک و متوسط ضروری خواهد بود.

راهکارهای موجود برای تعیین چارچوب نظری مناسب برای بنگاه‌های کوچک و متوسط

در دهه نخست قرن حاضر میلادی، بحث‌های زیادی پیرامون یک چارچوب نظری برای گزارشگری مالی بنگاه‌های کوچک و متوسط مطرح بوده است. هیئت استانداردهای بین‌المللی حسابداری نیز از پیشگامان ارائه چنین چارچوبی است. با این حال چارچوب پیشنهادی IFRS تنها چارچوب ارائه شده در این زمینه نبوده است. در حالی که تعداد قابل توجهی از کشورها استاندارد حسابداری مذکور را پذیرفته‌اند. تعداد دیگری از کشورها اقدام به ارائه چارچوب مجزایی برای بنگاه‌های کوچک و متوسط کرده و برخی دیگر نیز تاکنون بدون پذیرش رسمی استانداردهای بین‌المللی، استاندارد مجزایی را برای بنگاه‌های کوچک و متوسط خود پایه‌گذاری نکرده‌اند. این برخورد چندگانه، چندان هم غیرعادی به نظر نمی‌رسد، زیرا کشورها نه تنها در مورد این استاندارد، بلکه درباره به رسمیت شناختن استانداردهای بین‌المللی حسابداری دیگر نیز مواضع متفاوتی را اتخاذ کرده‌اند. طبق نظر مولر و به نقل از بلکوتی (۱۳۸۹)، کشورهای در حال توسعه، از جمله ایران، ۴ راهکار متفاوت در استانداردگذاری حسابداری را در مقابل خود دارند:

۱. **انقلابی:** این روش عبارت است از تدوین کاملاً مستقل استانداردهای حسابداری. در این راهکار، کشور در حال توسعه بدون مراجعه یا اثرپذیری از خارج، استانداردهای حسابداری مورد نیاز را تدوین می‌کند.

۲. **انتقال فن آوری:** در این راهکار دانش حسابداری به همراه فن آوری مورد نیاز آن به طور کامل از یک کشور توسعه یافته وارد می‌شود. دو دلیل عمده سبب می‌شود که برخی کشورها از این راهکار استفاده کنند. اول آنکه در بسیاری از کشورهای در حال توسعه به فرایند تدوین استانداردها و ایجاد فن آوری مورد نیاز برای اجرای آنها توجه نشده است. دلیل دوم نیز هزینه‌های زیاد ایجاد استانداردهای حسابداری مورد نیاز است.

۳. **پذیرش استانداردهای بین‌المللی حسابداری:** راهکاری که توسط بسیاری از کشورها استفاده می‌شود، پذیرش کامل استانداردهای بین‌المللی است. تا ابتدای سال ۲۰۱۱، نزدیک به ۶۰ کشور قصد داشتند که IFRS برای بنگاه‌های کوچک و متوسط را برای تعدادی از بنگاه‌های خود مجاز یا الزامی کنند (ناصر المقتیری، ۱۳۸۹). این رقم تا مارس ۲۰۱۲ به ۷۰ کشور افزایش یافت. قرار است اجرای کامل نسخه مذکور IFRS تا سال ۲۰۱۵ صورت پذیرد (IASB، ۲۰۱۲).

۴. **اقتضاگرایی:** این راهکار به معنای تدوین استانداردهای حسابداری بر مبنای تجزیه و تحلیل شیوه‌های عملی و اصول حسابداری رایج در کشورهای توسعه یافته و یا ارائه شده توسط انجمن‌های بین‌المللی و لحاظ کردن شرایط محیطی کشور در حال توسعه است.

نسبت به بسیاری از استانداردهای ملی، IFRS برای بنگاه‌های کوچک و متوسط می‌تواند منجر به بهبود کیفیت گزارشگری مالی این بنگاه‌ها شود. علاوه بر افزایش قابلیت مقایسه صورت‌های مالی بنگاه‌های کوچک و متوسط در داخل کشور و نیز عرصه بین‌المللی، قابلیت اتکای صورت‌های مالی این بنگاه‌ها بهبود خواهد یافت. از نگاه بازیگران عرصه حرفه‌ای حسابداری نیز، پذیرش این استاندارد می‌تواند علاوه بر به رسمیت شناخته شدن انجمن‌های حرفه‌ای داخلی در جوامع

بین‌المللی، سبب کاهش قابل توجه هزینه تدوین و گسترش استانداردها شود. اگرچه یکی از مهم‌ترین معایب پذیرش استانداردهای بین‌المللی حسابداری، وجود برخی از استانداردهایی است که برای کشورهای توسعه یافته مناسب هستند و نه برای کشورهای در حال توسعه، اما IASB در این نسخه از IFRS عموماً به بنگاه‌های کوچک و متوسط کشورهای در حال توسعه توجه کرده است. با توجه به مزایای متعدد راهکار پذیرش استانداردهای بین‌المللی و نقش برجسته بنگاه‌های کوچک و متوسط در کشورهای در حال توسعه، شامل کشورمان، به نظر می‌رسد که استفاده از راهکار مذکور بتواند نیازهای اطلاعاتی استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی این بنگاه‌ها را به نحو مناسب‌تری برطرف سازد.

ویژگی‌های برجسته IFRS برای بنگاه‌های کوچک و متوسط

به دنبال اعمال فشار از طرف نهادهای حرفه‌ای و مقرراتی کشورهای مختلف و واحدهای تجاری گزارشگر کوچک و متوسط، در ژوئن ۲۰۰۴، موضوع گزارشگری مالی بنگاه‌های کوچک و متوسط به بحث و تبادل نظر گذاشته شد (برزگر، ۱۳۸۹) که با استقبال بسیاری از صاحب‌نظران رو به رو شد. هیئت استانداردهای بین‌المللی حسابداری، پیش‌نویس اولیه استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی برای بنگاه‌های کوچک و متوسط را در فوریه ۲۰۰۷ میلادی و سپس نسخه نهایی آن را در جولای ۲۰۰۹ منتشر کرد.

اما چه تفاوت‌های قابل توجهی میان استانداردهای حسابداری قبلی، که عموماً پیرامون بنگاه‌های بزرگ است و استانداردهای حسابداری ویژه بنگاه‌های کوچک و متوسط وجود دارد؟ به طور کلی نسخه IFRS برای بنگاه‌های کوچک و متوسط موارد افشای کمتری را شامل می‌شود. به گونه‌ای که میزان افشاهای لازم در استاندارد IFRS برای بنگاه‌های کوچک و متوسط نزدیک به ۹۰ درصد کمتر از افشاهای لازم نسخه کامل IFRS است (IASB، ۲۰۱۲). علاوه بر این، به واسطه ساده‌تر بودن بسیاری از فعالیت‌های این بنگاه‌ها نسبت به بنگاه‌های بزرگ، بسیاری از استانداردهای نسخه‌های کامل، کاربردی نخواهند داشت. گزارشگری قسماًت‌ها و گزارشگری مالی میان دوره‌ای نمونه‌ای از این دست استانداردها هستند. در مجموع مهم‌ترین تفاوت‌های IFRS برای بنگاه‌های کوچک و متوسط با نسخه کامل شامل موارد زیر می‌شود:

- حذف استانداردهای غیر کاربردی
- کاهش میزان افشا
- سهولت در شناسایی و اندازه‌گیری
- تاکید بر انتخاب ساده‌ترین روش‌ها

نتیجه‌گیری

تفاوت بودن استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی بنگاه‌های کوچک و متوسط و نیازهای اطلاعاتی آنها و تهیه صورت‌های مالی توسط این بنگاه‌ها به واسطه الزام قانونی و نه گزارشگری برون‌سازمانی از مهم‌ترین عواملی هستند که احساس نیاز به یک چارچوب گزارشگری متفاوت را برای این بنگاه‌ها، به ویژه در کشورهای در حال توسعه ایجاد کرده است. طیف گسترده کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه که IFRS برای بنگاه‌های کوچک و متوسط را برای تمامی یا برخی از بنگاه‌های کوچک و متوسط خود الزامی کرده‌اند، نشان‌دهنده اقبال عمومی این استانداردها در سطح بین‌المللی است. IFRS برای بنگاه‌های کوچک و متوسط دارای ویژگی‌هایی است که می‌تواند برای بنگاه‌های کوچک و متوسط ایران بسیار کارساز باشد. مهم‌ترین این ویژگی‌ها، استفاده از ساده‌ترین روش‌های حسابداری، سهولت در شناخت و اندازه‌گیری و کمتر بودن میزان افشا نسبت به استانداردهای ملی است. با توجه به مزایای متعدد پذیرش استانداردهای بین‌المللی و همچنین توجه ویژه IASB به نیازهای اطلاعاتی استفاده‌کنندگان گزارش‌های مالی بنگاه‌های کوچک و متوسط کشورهای در حال توسعه، به نظر می‌رسد که پذیرش استاندارد بین‌المللی حسابداری بنگاه‌های کوچک و متوسط می‌تواند مناسب‌ترین راهکار برای کشورمان باشد.

*منابع مقاله در دفتر ماهنامه بورس موجود است